

سرمقاله: انتظار فرج بزرگترین فرج است

بدون تردید سخنان معصومین علیهم السلام گاه در عین ایجاز، حاوی متعالی ترین معانی است. اگر کسی تلاش نماید تمامی معارف مهدوی را در جمله‌ای به ایجاز بیان نماید، نخواهد توانست به زیبایی کلام امام زین العابدین علیه السلام آموزه زیبای مهدویت را به تصویر بکشانند. آن حضرت در این کلام موجز خویش هم زیبایی - های آرمانشهر اسلامی را با تعبیر فرج بیان نموده است و هم امتداد آن را از حال تا آینده کامیاب به فرج به تصویر کشیده است. آری، انتظار فرج و زیبایی در آینده، بزرگترین فرج و زیبایی از هم اینک زمان جاری است.

اما، سخن تنها از زیبایی تصویر نهفته در ورای کلمات پنج گانه «انتظار الفرج من اعظم الفرج» نیست، بلکه معانی متعالی نهفته در ورای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع اگر بتوانیم با این کلمات خماسی ابعاد و زوایای انتظار فرج را بیان کنیم، خود گوشه‌ای از بی‌نهایت و قطره‌ای از اقیانوس را رقم خواهد زد که تمامی ابعاد و زوایای آموزه مهدویت از آن برخوردار است. انتظار فرج از این جهت جا دارد موضوع تحلیلهای علمی بسیاری باشد که جامعه امروز ما تشنه سیراب گشتن بدان است.

چند برگی را از این دفتر ورق می‌زنیم. اگر نگاهی به حال زار و آشفته بشر امروزی بیندازیم، خواهیم دید که انسان مدرن و به ظاهر پیشرفته و صنعتی شده امروز به رغم آنکه تمامی لوازم عیش و عشرت و خوشی او را احاطه کرده است، اما از دست یافتن به آرامش خاطر بری و بی بهره است. تمامی لذات مادی در کنار اوست و او در تنهایی خویش اسیر غم و اندوه است. تصور مرگ همچون دیوی سرکش و وحشی، خواب خوش تنعم به نعمتهای مادی دنیوی را در کام او تلخ کرده است. او بیمار است، اما درد او را تنها امید چاره است. درمانی که او در اختیار نداشته و دچار تنگناهای زندگی مادی شهوانی خویش است. راستی اگر او به خدا ایمان داشت و می‌دانست فرج در راه است، باز چنین بود. هیهات! هیهات! عصر حاضر را عصر بحران هویتها و ظهور هویتهای چهل تکه در عصر مجازی جهانی شدن قلمداد کرده‌اند. عصری که آشفتگی ناشی از ادغام و در هم رفتگی فرهنگها و تمدنها حتی آسایش قبلی را از انسان امروز گرفته و او را بیشتر درگیر خود

کرده است. انسانی که در مقابل خویش تصویرهای مختلفی از زندگی را می‌بیند. انسانی که هر روز فرهنگها و مردمانی را با سبکها و سلیقه‌های مختلف زندگی می‌بیند، گاه از یافتن راه از بی‌راهه می‌ماند. ارزشها، سیلانیت یافته و مأمونی برای انسان امروزی نیست. اما راستی کجا باید پناه برد؟ آیا، مأمون و پناهگاهی جز باور به ظهور جامعه امن و سلام مهدوی وجود دارد؟! پس چنین است که برای انسان دچار بحرانهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و هویتی انتظار فرج، بزرگترین فرج است. فرجی که منتظران واقعی را پیش از این از در افتادن در چنان بحرانهایی نجات داده است.

اما در جامعه باید زندگی کرد. جامعه نیاز به سیاست و مدیریت دارد. باز در جهان آشفته بازار ایدئولوژیها و مکاتب مختلف بشری که هر روز یکی می‌آید و زبدي می‌آیند و مکشی ندارد تا آدمی را سیراب نمایند، ارزش دل بستن را دارد. همین چند صباح پیش بود که ایدئولوژی ناسیونالیسم گوش جهانیان را با طنینهای سهمگین خود کر کرده بود! اما اندکی نگذشت که در پیشگام جهانی شدن دچار فراموشی ابدی گردید. آیا سراب پایان تاریخ لیبرالی نیز جز این خواهد بود! اقلیس الصبح بقریب! اما نه چاره‌ای دیگر است. هر چند ما شکوه‌گر فقدان پیامبر خویش و غیبت ولیمان هستیم، اما راه بسته نیست: «انتظار الفرج من اعظم الفرج». چند قدمی دیگر باید تحمل و تأملی عمیق در حال خویش کرد!

فصلنامه *انتظار موعود* که سالهاست همراه شما بوده است، اینک در رویکردی جدید تلاش می‌نماید با کسب «امتیاز علمی - پژوهشی»، منتظران موعود را به تأملات عمیق در اوضاع زمانه و آرمانشهر مهدوی فرا بخواند. همگی باید بکوشیم، تا با عمیقترین نگاهها، نابترین پیامها را برای انسان بحران زده امروزی، از زلال آب معین مهدوی عرضه نماییم. این همان رسالتی است که کارگشای مشکلات علمی ما در جهان کنونی خواهد بود و خواهیم توانست در زمینه‌سازی ظهور منجی موعود، نهضت نرم‌افزاری مهدوی را رقم زنیم!

سردبیر